

نگاهی به حضور زنان در فیلم‌هایی با موضوع دفاع مقدس

زنانی که در جنگ تحمیلی به رنگ زندگی درآمدند

پریسا ساسانی
خبرنگار

سینمای جنگ و روایت داستان‌های زنانه در دوران جنگ تحمیلی همواره از مهم‌ترین دستاوردهای سینمای ایران بوده است که برخی از کارگردان‌ها چون رسول ملاقلی‌پور یا فیلم‌های متعددی که معروف‌ترین آن «سفر به جزایه» است و احمدرضا درویش نیز با فیلم‌های مختلفی در این عرصه حضور پیدا کردند اما معروف‌ترین فیلم این کارگردان درباره حضور زنان در جنگ فیلم «کیما» بودو با کمی فاصله ابراهیم حاتمی کیا بود که با دو فیلم «برج مینو» و «روبان قرمز» روایت زنان از جنگ را بیان کرد.

نایی جان مادر زمین

بهرام بیضایی در سال ۱۳۶۴ فیلم «باشو غریبه کوچک» با بازی درخشان سوسن تسلیمی را ساخت. فیلمی که رنگ و زبان تازه‌ای از سینمای ضد جنگ را به هرمغان آورد سینمایی محترم که وامدار هنراصیل ناتار است که با سوزهای متفاوت از حضور فرهنگ‌های مختلف شمال و جنوب کشور روایتی از جنگ از نوع زنانه را به مخاطب ارائه داد. فیلمی که ۵ سال به محاق توقیف رفت و دست آخر در سال ۱۳۶۹ به نمایش درآمد.

نایی جان زنی شمالی است که شوهرش به جنگ رفته و از سوی دیگر پسرکی به‌نام باشو که جنگ و ویرانی را به چشم دیده به پیش او می‌آید. اونی که مادر است. این فیلم تحسین منتقدان و مردم را به‌دنبال داشت و یکی از فیلم‌های پرافتخار سینمای ایران است.

طرحی نواز چهره زن در جنگ

عاطفه رضوی از جمله بازیگران است که با بازی در نقش «مینو قندی» توانست عنوان نخستین پرستار جنگ در سینمای ایران را در فیلم «سفر به جزایه» از آن خود کند. فیلم «سفر به جزایه» علاوه بر ساختار شکنی ملاقلی‌پور و پرداخت به موضوع تازه‌ای در سینما، آن هم در زمانی که حضور مردان در جنگ تحمیلی و خط مقدم جبهه بیش از هر عنوانی مطرح بود؛ با موضوع زن به‌عنوان پرستار طرحی نو در سینمای ایران درانداخت و نام «مینو قندی» را با تلاش‌های پروانه وار خود برای نجات رزمنده ایرانی ماندگار کرد.

مینو در نقش پرستار و علی رزمنده فیلم «سفر به جزایه» دو کاراکتری بودند که بار اصلی روایت فیلم را به دوش کشیدند. بگو مگوهای مینو و علی و کشاندن رزمنده زخمی روی برانکارد برای یافتن مامن امن و در نهایت نجات جان انسان از جمله ویژگی‌های دلنشین و یادگار مانده از رسول ملاقلی‌پور فیلمساز فقید سینمای ایران است. او که توانست مینو قندی و علی یعقوب‌زاده را در سفری به جزایه برای سینمای ایران ماندگار کند.

روایت‌مادی در جنگ

بی‌تا فرهی از دیگر زنان بازیگری است که در فیلم «کیما» به کارگردانی احمدرضا درویش حاضر شد و نقش «شکوه» را در سینمای ایران و بخصوص سینمای جنگ به یادگار گذاشت و روایت تازه‌ای از سادری کردن در جنگ را به نمایش گذاشت.

شکوه پزشک زنان و زایمان است که در روزهای پز التهاب جنگ تحمیلی زنی باردار را جراحی می‌کند و دختری به دنیا می‌آید اما مادر دختر از دنیا می‌رود و زایشگاه نیز مورد اصابت موشک قرار می‌گیرد. شکوه دختر را به آغوش می‌کشد و از زیر خمپاره و آتش جنگ به محلی امن در خانه خود می‌برد و کیما را چونان دختر خود نگهداری می‌کند. اما پدر کیما پس از سال‌ها اسارت از جنگ برمی‌گردد و سراغ فرزندش می‌آید و جدال شکوه برای حفظ و رضا برای به



کیما



شیار ۱۴۳



گیلانه



ویلیایی‌ها



نفس



روبان قرمز



سفر به جزایه



باشو غریبه کوچک

منوچهر محمدی در گفت‌وگو با «ایران»:

سینمای دفاع مقدس هوشیار باشد

ترگس عاشوری
خبرنگار

منوچهر محمدی از جمله تهیه‌کنندگانی است که در فیلم‌هایش نگاهی دیگر به مقوله جنگ و دفاع مقدس داشته است. او که دانش آموخته رشته جامعه‌شناسی است، اغلب فیلم‌هایش هم از تم اجتماعی برخوردار است. فیلم‌هایی مثل «عصر روز دهم» مجتبی راعی، «ارتقاغ پست» ابراهیم حاتمی‌کیا، «میم مثل مادر» رسول ملاقلی‌پور، «میهمان داریم» محمد مهدی عسگرپور و همچنین سریال «خاک سرخ» ابراهیم حاتمی‌کیا از جمله شاخص‌ترین آثار او در عرصه دفاع مقدس است. در گفت‌وگویی با او ضمن مرور کلی بر روند سینمای ۴۰ ساله جنگ از نیاز امروز این‌گونه سینمایی صحبت کرده‌ایم. ما حاصل گفته‌های این تهیه‌کننده را با حذف سوالات مطرح شده در ادامه می‌خوانید.

■ **کفه سنگین ۸ سال دفاع مقدس در وزن‌کشی جمهوری اسلامی**

به‌عنوان یک ایرانی که یک چهارم عمرم

پیش از انقلاب و باقی آن در دوران انقلاب

گذشت و به‌عنوان کسی که جنگ را از

روزهای آغازینش، از نزدیک تجربه کردم

و در میادین جنگ حضور داشتم، معتقدم

اگر بخواهیم در کارنامه جمهوری اسلامی

وزن‌کشی انجام بدهیم؛ آنچه دوران

۸ ساله جنگ تحمیلی به‌لحاظ غنای

فرهنگی و تأثیرگذاری بر رفتارها و هنجارها

و ابعاد مختلف زندگی ما به‌وجود آورد را

اگر در یک کفه ترازو بگذاریم با بقیه دوران

حیات جمهوری اسلامی برابری می‌کند. در

این ۸ سال شاهد ویژگی‌های بارز اخلاقی و

انسانی چه نزد مردم به‌عنوان ولی نعمتان

جامعه و چه نزد مسئولان حوزه‌های

مختلف مدیریتی بودیم. در این دوران

همدلی و همراهی، گذشت و فداکاری

و در یک کلام عصاره فضائلی را تجربه

کردیم که متأسفانه بعد از جنگ آرام آرام

کم‌رنگ و کم‌رنگ‌تر شد و این روزها باید با

چراغ دنبال آن بگردیم تا شاید شمه‌ای از

فضائل این ۸ سال را پیدا کنیم. این موضوع

من راجع به جنگ و دفاع مقدس است.

■ **از هر میلیمتر خاک ایران دفاع کردیم**

باز به‌عنوان یک ایرانی، نقطه غرور آفرین

۸ ساله جنگ برای نسل ما و برای جامعه

دست آوردن کیما یکی از دراماتیک‌ترین

لحظاتی است که سینما به خود دیده

است و احمدرضا درویش بدرستی نه

چونان قاضی بلکه تنها به‌عنوان راوی

آنچه را باید روایت می‌کند.

■ **مادر یغورویک جانباړ**

معتمد آریا در سینمای ایران نقش خوب

در فیلم‌های خوب کم بازی نکرده است

و می‌توان گفت او یکی از بازیگرانی است

که بیشترین تنوع بازی در نقش‌های

مختلف را در کارنامه کاری خود به‌جای

گذاشته است. در این بین بازی او در

فیلم «گیلانه» به‌کارگردانی رخشان بنی

اعتماد از جمله فیلم‌های مادرانه‌ای

است که مادرانگی را به معنای واقعی

و بی‌منت به فرزند جانباړش هدیه

می‌کند. رخشان بنی اعتماد که خود او

یکی از پرچمداران سینمای اجتماعی

خصوص با حضور پررنگ زنان در

آثارش است در فیلم «گیلانه» استادانه و

مسلط کاراکتر ننه گیلانه را هم در مرحله

فیلمنامه و هم اجرا درآورده است.

فاطمه معتمد آریا با بازی در نقش

ننه گیلانه موقعیت‌های دراماتیک

و نوع دوستی و انسان دوستی را به

شکل باورپذیر به مخاطب عرضه کرد

تا جایی که مخاطب با شخصیت‌های

فیلم بخصوص ننه گیلانه ارتباط

عمیقی برقرار می‌کند و خود را جای

شخصیت‌های فیلم می‌گذارد.

■ **محبوبه عاشق روبان قرمز**

ابراهیم حاتمی کیا از فیلمسازانی

است که مانند ملاقلی‌پور به شکل

متمرکز بر سینمای دفاع مقدس

است. اما دو فیلم «برج مینو» که در

سال ۱۳۷۴ ساخت و «روبان قرمز»

که در سال ۱۳۷۷ کارگردانی کرد هر

دو با حضور نقش محوری زن روی

پرده رفت اما فیلم «روبان قرمز»

حرف تازه‌ای در سینمای ایران می‌زد.

فیلمی درتجییج جنگ تنها با حضور

۲ کاراکتر که شخصیت محوری آن زنی

به‌نام محبوبه با بازی آریتا حاجیان

بود. محبوبه جنگ زده‌ای اهل جنوب

است که خانواده‌اش را از دست داده و

بعد از مدتی به سرزمین پدری اش باز

می‌گردد و با ویرانه‌ای مواجه می‌شود

که زمین‌ها با روبان‌های قرمز به

قطعه‌های مختلف تقسیم شده بود که

مردی به‌نام داوود آنجا زندگی می‌کرد و

مشغول پاکسازی زمین از مین بود.

جمعه هم مردی افغانی است که

نگهبان گورستان تانک‌ها است و محبوبه

که در ویرانه خانه خود تانکی را از زیر

آوار پیدا می‌کند تصمیم می‌گیرد برای به

دست آوردن پول تانک خود را بفروشد

که روایت جمعه و محبوبه برای فروش

تانک آغاز می‌شود. داستانی که خشم

داوود را برمی‌انگیزد و در نهایت هر دو

مرد عاشق محبوبه می‌شوند. حاتمی کیا

و در یک کلام عصاره فضائلی را تجربه

درمیان ویرانه جنگ به تصویر می‌کشد.

و محبوبه به‌عنوان نماد عشق میان دو

معشوق قرار می‌گیرد و آریتا حاجیان

با نقش آفرینی کم نظیر خود و ارائه

http://irannewspaper.ir

editorial@irannewspaper.ir



ترگس عاشوری
خبرنگار

۴۰ سال از آغاز جنگ ۸ساله عراق علیه ایران می‌گذرد. سینمای جنگ به‌عنوان مقوله‌ای جدا نشدنی از روایت‌های سینماگران جهان، در این ۴ دهه در سینمای ایران هم مورد توجه قرار گرفته و تا آنجا که در توان سینمای ایران بوده نسبت به این رویداد ملی ادین کرده است. سینمایی که برخی صاحب‌نظران این حوزه معتقدند تنها زائر سینمایی است که بومی و ایرانی شده و با نشانه‌هایی خاص از ژانر جنگ در شکل جهانی متمایز شده‌است. در این ۴۰ سال متوسط تولیدات سینمای ایران در دهه‌های مختلف متفاوت بوده و مضامین هم تغییر کرده‌است. در دو دهه ۶۰ و ۷۰ به‌دلیل درگیری با مسأله جنگ سینمای جنگ هم در اوج بود. سینمای دفاع مقدس وجه عرفانی و حماسی داشت و تلاش سینماگران بر این بود که با تهییج به تقویت روحیه ملی و مشارکت و تعاون اجتماعی علیه دشمن کمک کنند. ابراهیم حاتمی‌کیا، احمد رضا درویش، عزیزالله حمیدنژاد و رسول ملاقلی‌پور در کنار کمال تبریزی، سیفا الله داد، ساموئل خاچیکیان، مجتبی راعی، محسن مخملباف و... از جمله سینماگرانی بودند که در این دوره به سینمای جنگ ادای دین کردند. در کنار آثار برخی از کارگردان‌ها از جمله مسعود کیمیایی و بهرام بیضایی در عین بیان اتحاد ملی، تصویری از فقریت جنگ را ترسیم کردند. با فاصله گرفتن از جنگ، سینمای ایران هم از پوسته هیجانی خارج شد و نوبت به بازتاب مشکلات جنگ، قربانیان و بازماندگان آن رسید. «گیلانه» رخشان بنی اعتماد نمونه موفق این دست آثار بود. در برخی آثار گاهی مضامین سیاسی و اجتماعی بر روایت سینمای دفاع مقدس نشست و لحن فیلم بیانی اعتراضی گرفت که از نمونه‌های به‌یادماندنی آن «آژانس شیشه‌ای» است. با گذر زمان سینمای دفاع مقدس هم متأثر از فضای کلی سینما به سمت کم‌دی رفت و با فیلم‌هایی مثل «ضد کلوله» و «خراجی‌ها» سعی شد با فضای دفاع مقدس شوخی شود. اگر چه در تمام این سال‌ها بنا بر مقتضیات دهه‌های مختلف تا حدودی روح زمانه در سینمای جنگ هم دمیده شده و تلاش شده‌است رابطه مخاطب با سینمای جنگ قطع نشود اما چند سالی است که سینمای این حوزه حرفی تازه برای مخاطب و نسل تازه جامعه ندارد. برخی دلیل آن را اعمال محدودیت‌های داندن و برخی بر این باورند که ساخت سینمای جنگ سخت است و فیلمسازان از ساخت کارهای سخت طفره می‌روند. به سراغ اهالی سینما که در این حوزه فعالیت کرده‌اند، رفته‌ایم و درباره چرایی این اتفاق و اینکه امروز سینمای جنگ به چه مضامینی نیاز دارد، گفت‌وگو کرده‌ایم.

اهالی سینما از نیاز امروز سینمای جنگ به «ایران» می‌گویند

فرزند زمانه خویش باش

■ **راه رسیدن به رستگاری**



کلی روند ۴۰ ساله سینمای دفاع مقدس معتقد است فیلم‌های این حوزه در دهه ۶۰ اغلب وجه حماسی و عرفانی دارد. در دهه ۷۰ لحن اعتراضی گرفته و مضامین سیاسی و اجتماعی بر بستر دفاع مقدس روایت می‌شود و در دهه ۸۰ سینمای دفاع مقدس هم به سوی کم‌دی گرایش پیدا می‌کند. تحلیل او درباره دهه ۹۰ اما متفاوت است: «فیلم‌های این دهه را در یک عبارت می‌شود دسته‌بندی کرد: سینماگران دفاع مقدس فهمیدند که این طور نمی‌شود فیلم ساخت، باید فکر دیگری کرد. تجربیات مختلف را انجام دادند و به نتیجه خاصی نرسیدند. اواخر دهه ۹۰ هستیم اما همچنان وقتی از سینمای دفاع مقدس صحبت می‌شود از فیلم‌های دهه‌های قبل مثال می‌آوریم. حتی رویمان نمی‌شود بگوییم «تنگه ابوقریب» با

این همه هزینه فیلم خوبی است.» او با تأکید بر اینکه دهه ۹۰، دهه سینمای دفاع مقدس نبود، می‌افزاید: «تعداد فیلم‌های ساخته شده در این ژانر آنقدر محدود است که نمی‌شود کنار هم چید و به برداشت معناداری رسید. تنها برداشت معنادار این است که نشد فیلم بسازند چون تفکر نداشتند. آشفتنگی و سردرگمی اجتماعی را در اینجا هم می‌بینیم. فیلمساز جنگ هم در همین جامعه زندگی می‌کند. فیلمساز نمی‌داند چه فیلمی بسازد؛ فیلمی که بخصوص نه گیشه دارد و نه جشنواره. این نوع سینما برای رسیدن به رستگاری باید فکری بکند.» این فیلمنامه‌نویس در پاسخ به سوآلی درباره دلیل قهر و رویگردانی مخاطب توضیح می‌دهد: «فیلمی که می‌خواهد به او نشان ندهد،ایم. فیلمی که مشخصات این دوره را داشته باشد. سراغ هر فیلمساز دفاع مقدس که بروید می‌گویید نمی‌شود، دیگر تمام شد. برخی ارگان‌ها و نهادهای مربوطه را مقصر می‌دانند و عده‌ای از حمایت نکردن مسئولان گلایه می‌کنند اما واقعیت این است که فیلمسازی در حوزه دفاع مقدس کار دشواری شده و هر کسی

تمایل چندانی برای گفت‌وگو ندارد. او که هیچ کدام از فیلم‌هایش در متن جنگ نیست و به گفته خودش بررسی ارتباط و روان‌شناسی آدم‌ها در شرایط جنگ برایش مهم است و معتقد است در شرایط جنگ آدم‌ها، قابل مطالعه و تحلیل هستند، می‌گوید: «اگر قرار بود ژانر و گونه سینمایی است که بشدت بومی و ایرانی شده است. گونه‌های دیگر سینمایی برگرفته از همان ژانرهای تعریف شده جهانی است که با قصه به در یک حساب بازنشستی منطق با کشور ما ساخته می‌شود و تنها گونه سینمایی که هویت ایرانی منبعت از انقلاب را می‌شود در آن ردیابی کرد، سینمای دفاع مقدس است. این هم

پرداخته‌ایم و همچنان با این محوریت فیلم می‌سازیم. با این وضعیت نباید احساس سرافکندگی و سرشکستگی کرده یا قدر سینما و سینماگران را کم ارزش کنیم. ■ **تنها زائر بومی سینمای ایران**

عده‌ای از سینمای دفاع مقدس ابراز نارضایتی می‌کنند. به اعتقاد من این نارضایتی ناشی از عدم شناخت مقوله سینماست. سینمای دفاع مقدس تنها زائر و گونه سینمایی است که بشدت بومی و ایرانی شده است. گونه‌های دیگر سینمایی برگرفته از همان ژانرهای تعریف شده جهانی است که با قصه به در یک حساب بازنشستی منطق با کشور ما ساخته می‌شود و تنها گونه سینمایی که هویت ایرانی منبعت از انقلاب را می‌شود در آن ردیابی کرد، سینمای دفاع مقدس است. این هم

وجه تمایز و تفاخری دیگر برای بالیدن به سینمای دفاع مقدس است.

■ **به تهییج روحیه ملی تا مظلومیت جانباړان شیمیایی**

بدیهی است در همه‌جای جهان در کشاکش جنگ و حوادث و میدان رزم آنچه بر ساخت آثار هنری از جمله سینما تعیین تکلیف می‌شود کمک به تهییج روحیه ملی و تقویت روحیه تعاون اجتماعی است تا بتوانند در امر مسلم اجتماعی است که طبیعتاً هنرمندان هم باید از آن تبعیت کنند. عمده آثاری که در طول ۸ سال دفاع مقدس ساخته شد، فارغ از کیفیت دارای این ویژگی بود. با پذیرش قطعنامه و پایان جنگ، سینمای دفاع مقدس باید از لاک و پوسته هیجانی خارج می‌شد. آتش‌بس شده بود و

سینمای دفاع مقدس است. این هم